

قط‌نام‌ها و تصم‌مات

حزب کارگر

سوس‌ال دموکرات روس‌ه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

﴿۱﴾

\* قطعنامه ها و تصمیمات

حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

\* از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

— کمیته خارج کشور

قطعنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۸۹۸-۱۹۱۷ از انتشارات سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران

چاپ اول دی ۱۳۶۳.

ترجمه از کتاب:

Resolutions and Decisions of the Russian Social Democratic Labour Party 1898-1917.

Printed in Great Britain by A. Wheaton & Co. Ltd, Exeter

\* تکثیر از: حجت برزگر

\* تاریخ تکثیر: ۱۳۸۱/۰۳/۲۵ (۲۰۰۲/۰۶/۱۵ میلادی)

\* آدرس تماس با شبکه نسیم (اتحادیه مارکسیستها) از طریق پست الکترونیکی:

[nasim@tele2.se](mailto:nasim@tele2.se)

#### توجه

۱- اسناد تکثیر شده شامل بخش هایی از اسناد درج شده در کتاب «قطعنامه ها و تصمیمات

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، ۱۸۹۸-۱۹۱۷» ترجمه فارسی می باشد. اکثر اسناد تکثیر

شده شامل برنامه، اساسنامه ها، درباره اتحادیه های کارگری و شوراها می باشند.

۲- کلیه اسناد در کتاب مذکور بترتیب شمارگذاری شده اند و در اینجا به همان ترتیب شماره

ها نوشته شده اند. مجموعاً ۲۱۸ سند در کتاب مذکور آمده است.

۳- تعدادی از مقدمه های «کمیته ترجمه» بطور کامل نوشته نشده اند. در آخر هر مقدمه ای

که بطور کامل نوشته نشده است، با علامت کروشه «...» و چند نقطه در داخل آن مشخص و

مقدمه قطع شده است.

۴- اسناد تکثیر شده از کتاب مذکور در سه فایل با فرمت PDF پخش می گردد.

حجت برزگر

## فهرست

صفحه	عنوان
۴	* پیشگفتار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۴	* توضیح کمیته ترجمه
۶	* <u>کنگره اول ۳ - ۱ مارس ۱۸۹۸</u>
۸	۱- مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه
۱۰	۲- تصمیمات کنگره
۱۱	* <u>کنگره دوم ۱۷ ژوئیه - ۱۰ اوت ۱۹۰۳</u>
۱۵	۳- برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه
۲۱	۴- اساسنامه تشکیلاتی حزب
۲۳	۵- درباره سازمانهای محلی
۲۳	۱۱- درباره روش برخورد به لیبرالها
۲۴	۱۴- درباره مبارزه صنفی کارگران ((تریونیونی))
۲۵	۱۵- درباره روش برخورد به دانشجویان
۲۵	* یادداشتهای کمیته ترجمه

## بیشگفتار

به منظور از میان برداشتن پراکندگی و تشتت ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اردیبهشت ماه سال جاری اقدام به انتشار علنی طرح برنامه حزب کمونیست نمود.

این اقدام که از ضرورت‌های این مرحله از تکامل جنبش کمونیستی نشأت گرفته است، ناگزیر به ایجاد حزب حقیقی طبقه کارگر خواهد انجامید. حزبی که بتواند مظهر ارتباط طبقه کارگر با توده های میلیونی قرار گیرد و با معرفت به قوانین مبارزه طبقاتی و تجارب چندین ساله جنبش کمونیستی، رهبری پرولتاریا را عملاً عهده دار شود.

در همین رابطه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور در نظر دارد منابع و اسنادی را که تاکنون در این باره انتشار نیافته ترجمه و منتشر سازد، تا همزمان در اختیار کلیه رفقای تشکیلاتی و سایر نیروهای انقلابی قرار گیرد.

متن حاضر نیز توسط رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور ترجمه و در اختیار ما قرار گرفته است، لازم به یادآوری است انتشار اینگونه اسناد الزاماً به معنای تأیید کامل مواضع اتخاذ شده در این متون نخواهد بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -

کمیته خارج از کشور، آبان ۱۳۶۳

## توضیح کمیته ترجمه

این کتاب ترجمه منتخبی است از مصوبات، کنگره ها، کنفرانسها و ... حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در فاصله سالهای ۱۸۹۸ و ۱۹۱۷؛ که علاوه بر مصوبات بلشویکها، بیشتر مصوبه های منشویکها را نیز در بر دارد. گنجاندن نظرات انحرافی منشویکی در این مجموعه از این رو ضروری است که تاکنون کمتر اثری از اینان به فارسی برگردانیده شده است، و به علاوه مقایسه نظرات بلشویکی و منشویکی حقانیت لنینیسم را بیشتر اثبات می کند.

ناآشنایی کافی ما به زبان روسی علتی بود تا که منبع اصلی خود را ترجمه انگلیسی این مصوبات که در کتاب زیر گردآوری شده است، قرار دهیم:

McNeal, Robert H. (General Editor), Resolutions and Decisions of the Communist Party of the Soviet Union, Volum I, the Russian Social Democratic Labour Party, 1898 - October 1917, Editor: Ralph Carter Elwood, University of Toronto Press, Canada, 1974.

طبیعی است که خواست مترجم انگلیسی در گزینش سندهای ترجمه شده در این کتاب دخیل بوده است. از طرف دیگر وی بخشهایی از بعضی سندها را حذف کرده است. به همین دلیل نه تنها

در موارد ضروری متن انگلیسی با روسی مقایسه شده است، بلکه کوشیده ایم تا بخشهای حذف شده را نیز پیدا کرده و به کتاب اضافه کنیم. ضمناً با استفاده از مجموعه آثار لنین (۴۵ جلدی به زبان انگلیسی) و بعضی از کتب مربوط به تاریخ حزب کمونیست شوروی، برای هر بخش کتاب مقدمه کوتاهی نیز تهیه کردیم که قبل از شروع هر کنگره، کنفرانس، پلنوم و ... آمده است. بخشهایی که با ... مشخص شده است، توسط مترجم انگلیسی حذف شد. مطالبی که در داخل (( )) آمده، بیرون از متن اصلی و از کمیته ترجمه است. تاریخ استفاده شده در این کتاب منطبق با تقویم معمول در روسیه قبل از انقلاب اکتبر است که سیزده روز عقب تر از تقویم فعلی است.

---

کنگره اول حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از اول تا سوم مارس ۱۸۹۸ مخفیانه در شهر مینسک برگزار شد. مجموعاً ۹ نفر به نمایندگی از «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر»، بوند و نشریه «رابوچایا گازتا» در آن شرکت داشتند.

کنگره اول به ابتکار «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» برگزار شد. لنین «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» را در سال ۱۸۹۵ با متحد ساختن محفلهای مارکسیستی سن پترزبورگ و با هدف پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری تشکیل داده بود. در شهرهای دیگر نیز بلافاصله سوسیال دموکراتها خود را در سازمانهای مشابهی و تحت همان نام متشکل ساختند. ضرورت تشکیل این سازمانهای مختلف در حزبی واحد برای رهبری مبارزات طبقه کارگر هرچه بیشتر احساس می شد. به همین منظور «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ به پیشنهاد لنین تصمیم گرفت نشریه ای به نام «رابوچیه دیلو» ایجاد کند. اما پیش از اینکه این طرح عملی شود پلیس در دسامبر ۱۸۹۵ لنین و رهبران دیگر «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» را دستگیر کرد و بدین ترتیب تشکیل حزب به تعویق افتاد. لنین که ضرورت تشکیل حزب پرولتری را به شدت حس میکرد، از درون زندان فعالیتهای خستگی ناپذیر خود را در این راستا ادامه داده و به تهیه طرح برنامه حزب پرداخت.

«اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ نیز به رغم زندانی بودن بسیاری از رهبران برجسته اش از جمله لنین، کوششهای خود را برای تشکیل حزب ادامه داده و بنا به تأکیدهای مکرر لنین از زندان و طبق رهنمودهای وی گامهای عملی را برای برگزاری کنگره سراسری آغاز کرد. به همین منظور در تابستان سال ۱۸۹۶ کروپسکایا به نمایندگی از «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ به اوکراین رفت تا با سوسیال دموکراتهای آنجا در این باره مذاکره کند.

لنین در ضمن دو اثر مهم تئوریک برای تدوین برنامه حزب نوشت. اثر اول تحت عنوان «طرح برنامه حزب سوسیال دموکرات» در پایان سال ۱۸۹۵ در زندان سن پترزبورگ نوشته شد (مجموعه آثار لنین به زبان انگلیسی، جلد ۲ صفحات ۱۲۱ - ۹۳). اثر دوم در سال ۱۸۹۷ پس از تبعید لنین به سیبری نوشته شد و «وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه» نام دارد (همانجا، صفحات ۵۱ - ۳۲۳). در این آثار لنین ضرورت تشکیل حزب پرولتری را مورد تأکید قرار داد و اصول برنامه ای آن را تشریح کرد. کوششهای لنین از زندان و تبعید و تلاشهای «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ و گروههای دیگری مثل بوند باعث شد که کنگره اول حزب بالاخره در مارس ۱۸۹۸ برگزار شود. علاوه بر لنین و کروپسکایا که در موقع برگزاری کنگره در تبعید به سر میبردند، هیچ یک از رهبران بعدی سوسیال دموکراسی روسیه در این کنگره حضور نداشتند. کنگره

تشکیل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را رسماً اعلام کرد. لنین با شنیدن خبر تشکیل حزب از کروپسکایا نوشت:

«تشکیل حزب بزرگترین گامی است که جنبش کارگری روسیه برای پیوندش با جنبش انقلابی روسیه برداشته است» (همانجا، جلد ۴، ص ۲۵۶).

کنگره، کمیته مرکزی حزب را با ۳ نفر عضو انتخاب کرد و «رابوچایا گازتا» را ارگان رسمی حزب اعلام داشت. پیامی به حزب سوسیال دموکرات آلمان فرستاد و یاد مبارزان انقلاب ۱۸۴۸ را گرامی داشت.

مهمترین دستاورد این کنگره را باید تصویب «مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» دانست (سند ۱). لنین در سال ۱۹۰۰ نوشت: «ما به عنوان اعضای حزب کاملاً با نظرات اساسی مطرح شده در این مانیفست موافق هستیم و برای آن به عنوان اعلام عمومی هدفهای حزب اهمیت فوق العاده ای قائلیم.» (همانجا، صفحات ۳۲۳ و ۳۵۳). گرچه مانیفست به ضرورت برقراری دیکتاتوری پرولتاریا اشاره ای نکرد، ولی لزوم رهبری انقلاب توسط پرولتاریا و ناتوانی و زبونی بورژوازی روسیه را مورد تأکید قرار داد.

کنگره اول نتوانست برای حزب برنامه و اساسنامه ایجاد کند و این وظیفه در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ انجام پذیرفت. به جای اساسنامه سندی تحت عنوان «تصمیمات کنگره» تصویب شد (سند ۲). در بند اول آن در مورد جایگاه بوند در حزب اعلام شد که بوند «به عنوان یک سازمان خودمختار وارد حزب می شود و تنها در مورد مسایل مربوط به پرولتاریای یهود استقلال دارد». کنگره اصل سانتالیسم در تشکیلات را مورد پذیرش کامل قرار نداد و کمیته مرکزی حزب از قدرت کافی برخوردار نبود.

پیش از آنکه حزب بتواند کاری انجام دهد و تصمیمات کنگره را متحقق سازد پلیس سرکوب خشن آن را آغاز کرد و دو نفر از سه عضو کمیته مرکزی و بقیه شرکت کنندگان در کنگره را بلافاصله دستگیر کرد و چاپخانه «رابوچایا گازتا» نیز بزودی کشف شد. در سال ۱۸۹۹ تلاش دیگری به عمل آمد تا این نشریه دوباره انتشار یابد و این بار سردبیری آن به لنین واگذار شد. این تلاش ناموفق ماند. بدین ترتیب حزب نتوانست بین سازمانهای محلی ارتباطی ایجاد کند. کنگره عملاً نتوانست سوسیال دموکراتهای روسیه را متحد سازد. حزب به منزله یک سازمان واحد متمرکز عملاً وجود خارجی نداشت و سازمانهای سوسیال دموکرات برنامه، اساسنامه و تاکتیک واحدی نداشته و از مرکز واحدی رهبری نمی شدند. اختلافات ایدئولوژیک روز به روز در داخل و خارج روسیه رشد می کرد و اکونومیسم در بعضی سازمانهای سوسیال دموکرات غلبه پیدا میکرد.

لنین در سال ۱۹۰۷ نوشت که پس از سرکوب نهادهای مرکزی حزب بعد از کنگره اول «در واقع حزب متحدی وجود نداشت: وحدت هنوز یک ایده و یک رهنمود بود» (جلد ۱۳ صفحات ۱۰۱ - ۱۰۰). ضرورت وجود یک حزب متمرکز رزمنده با شدت هر چه بیشتری احساس می شد. شکست

کنگره اول لنین را متوجه ساخت که ایجاد حزب پرولتری واقعی به تدارک جدی و سیستماتیک نیاز دارد. لنین پس از مدتها تفکر به این نتیجه رسید که باید یک روزنامه سراسری ایجاد شود. در سال ۱۹۰۰ پس از اتمام مدت تبعید، لنین به خارج از روسیه می رود و با همکاری چند تن از سوسیال دموکراتهای آن زمان از جمله پلخانف و مارتف روزنامه ایسکرا را ایجاد می کند. تلاشهای خستگی ناپذیر لنین از طریق روزنامه ایسکرا باعث شد که سرانجام کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ برگزار شود و حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه عملاً به وجود آید.

## ۱- مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

پنجده سال پیش توفان زندگی بخش انقلاب ۱۸۴۸ سراسر اروپا را درنوردید. طبقه کارگر جدید برای اولین بار به مثابه یک نیروی تاریخی عمده در صحنه ظاهر شد. بورژوازی با تلاشهای خود موفق شده بود تا بسیاری از آداب و رسوم منسوخ فتودالی - سلطنتی را بزدايد. اما بزودی سرسخت ترین دشمن اش را در این متحد جدید یافت و از این رو هم طبقه کارگر، هم خود و هم آرمان آزادی را به ارتجاع فروخت، که بسیار بی بهره بود، زیرا طبقه کارگر با آنکه موقتاً سرکوب شده بود، پس از ده یا پانزده سال باز با قدرتی دو چندان و آگاهی فزون، همچون مبارزی پرتجربه برای آزادی نهایی خویش در صحنه تاریخ ظاهر می شد. در طول این دوره، با توجه به همه شواهد، روسیه از مسیر اصلی تکامل تاریخی جدا مانده بود. مبارزه طبقاتی با اینکه ظاهراً مشاهده نمی شد، وجود داشت و مهم تر اینکه به رشد و اعتلای خود ادامه می داد. حکومت روسیه با محروم کردن دهقانان از وسایل معاش، پشتیبانی از زمین داران و پروردن سرمایه داران به هزینه مردم زحمتکش، با حرارت بی وصفی خود بذر مبارزه طبقاتی را در جامعه می پاشید. اما نظم بورژوا - سرمایه داری بدون وجود پرولتاریا یا طبقه کارگر غیرقابل تصور است. طبقه کارگر همزمان با سرمایه داری زاده شده، با آن رشد می کند و قوی تر می شود و در حین رشد خود هرچه بیشتر با بورژوازی می ستیزد. کارگر صنعتی روسیه، چه برده چه آزاد، همواره علیه استثمارگرانش آشکار و نهان به مبارزه پرداخته است. گستره این مبارزه با انکشاف سرمایه داری رشد می یابد و لایه های وسیع تری از زحمتکشان را هرچه بیشتر در بر می گیرد. اعتلای آگاهی طبقاتی در پرولتاریای روسیه و گسترش جنبش خودبخودی کارگران با تکامل نهایی سوسیال دموکراسی بین المللی، به مثابه ابزار پیش برنده مبارزه طبقاتی و آرمان طبقاتی کارگران آگاه در سراسر جهان همزمان شد. تشکیلات کارگری اخیر روسیه همواره، آگاهانه یا ناآگاهانه، فعالیتهای خود را در متن ایده های سوسیال دموکراتیک به پیش برده است. قدرت و اهمیت جنبش کارگران و سوسیال دموکراسی مورد حمایت آن، با سلسله اعتصابات اخیر در روسیه و لهستان، به ویژه اعتصابات مشهور بافندگان و ریسندگان سن



پترزبورگ در سالهای ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ به روشنی آشکار شد. این اعتصابات حکومت را وادار کرد تا قانون دوم ژوئن ۱۸۹۷ در مورد مدت ساعات کار روزانه را اعلام کند. این قانون، به رغم نارسایی هایش، برای همیشه نشانه ای ماندگار خواهد بود از فشار پرتوانی که کوششهای یکپارچه کارگران می تواند بر عملکرد قانونگذاری و دیگر عملکردهای حکومت اعمال کند. حکومت بهبوده تصور می کند که می تواند کارگران را با دادن بعضی امتیازات آرام کند. در همه جا، هرچه بیشتر به طبقه کارگر امتیاز داده شود، بیشتر می طلبد و طبقه کارگر روسیه نیز چنین خواهد کرد. در گذشته پرولتاریا وقتی خواسته ای داشت چیزی می گرفت، در آینده تمامی آنچه را که می خواهد، می گیرد.

و چیست که طبقه کارگر روسیه نخواهد؟ او از آنچه که رفقاییش در دیگر کشورها آزادانه و به راحتی بهره مندند کاملاً محروم است: از سهم در اداره دولت، از آزادی بیان و مطبوعات، از آزادی گردهمایی و اجتماعات و در یک کلام از تمام ابزار و وسایلی که پرولتاریای اروپای غربی و آمریکا با آن وضعیت خود را بهبود بخشیده و در عین حال برای رهایی نهایی خود عیله مالکیت خصوصی و سرمایه داری و برای سوسیالیسم نبرد می کنند. آزادی سیاسی برای پرولتاریای روسیه همانقدر ضروری است که هوای پاک برای تنفس سالم، و این شرط اساسی برای رشد آزادانه پرولتاریا و پیروزی در مبارزه برای بهبود نسبی و رهایی نهایی او است.

اما پرولتاریای روسیه تنها خود می تواند آزادی سیاسی مورد نیازش را کسب کند.

هرچه به شرق اروپا نزدیک تر می شویم، بورژوازی ترسوتر، بی اعتبارتر و از لحاظ سیاسی ضعیف تر بوده و وظایف فرهنگی و سیاسی پرولتاریا بیشتر است. طبقه کارگر روسیه سنگینی آرمان کسب آزادی سیاسی را باید بر دوش ستبر خود تحمل کرده و چنین نیز خواهد کرد. این گامی ضروری اما مقدماتی است برای به انجام رساندن رسالت تاریخی پرولتاریا یعنی ایجاد نظم اجتماعی که در آن از استثمار انسان از انسان اثری نباشد. پرولتاریای روسیه یوغ استبداد را بدور خواهد انداخت و بدین ترتیب با نیروی بیشتر مبارزه علیه سرمایه داری و بورژوازی را تا پیروزی کامل سوسیالیسم ادامه خواهد داد.

اولین گامهای جنبش کارگران و سوسیال دموکراسی روسیه به ناچار ناهماهنگ و تا حدی بی هدف و عاری از اتحاد و برنامه بود. هم اکنون زمان آن فرا رسیده است که نیروها، محافل و سازمانهای محلی سوسیال دموکراسی روسیه را در تشکیلات واحدی چون «حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» متحد کنیم. با آگاهی به این ضرورت، نمایندگان «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» گروه ناشر «رابوچایا گازتا» (Rabochaya Gazeta) و «اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان» (بوندا)) کنگره ای را برگزار کرده اند که تصمیمات آن در زیر می آید.

گروه های محلی با اتحاد خود برای تشکیل حزب، از اهمیت این گام و مسئولیتی که در بر دارد کاملاً آگاهند، و بدین وسیله، یکبار و برای همیشه، گذار جنبش انقلابی روسیه را به یک

دوران جدید مبارزه طبقاتی آگاهانه اعلام می کنند. حزب سوسیال دموکرات روسیه به مثابه یک گرایش و جنبش سوسیالیستی، آرمان و سنتهای کل جنبش انقلابی گذشته روسیه را ادامه می دهد. سوسیال دموکراسی با تعیین کسب کامل آزادی سیاسی به عنوان وظیفه عاجل و اساسی حزب، هدفی را تعقیب می کند که قبلاً به روشنی توسط چهره های پرافتخار «نارودنایا ولیا» (Narodnaya Volya) طرح ریزی شده بود. اما سوسیال دموکراسی راهها و وسایل دیگری انتخاب می کند. این انتخاب با خواست آگاهانه سوسیال دموکراسی به عنوان جنبش طبقاتی توده های کارگر متشکل تعیین می شود. سوسیال دموکراسی شدیداً اعتقاد دارد که «آزادی طبقه کارگر تنها به دست خودش میسر است» و از این رو تمام فعالیتهای خود را استوارانه در انطباق با این اصل اساسی سوسیال دموکراسی بین المللی به پیش خواهد برد.

زنده باد سوسیال دموکراسی روسیه!

زنده باد سوسیال دموکراسی بین المللی!

## ۲- تصمیمات کنگره

۱- «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر»، گروه «رابوچایا گازتا» و «اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان» ((بوند)) بدین وسیله تشکیلات واحدی را به نام حزب ((کارگر)) سوسیال دموکرات روسیه تشکیل می دهند؛ اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان «به عنوان یک سازمان خودمختار وارد حزب می شود و تنها در باره مسایل مربوط به پرولتاریای یهود استقلال دارد.

۲- ارگان اجرایی حزب کمیته مرکزی است که به وسیله کنگره حزب انتخاب شده و فعالیتهای خود را به آن گزارش می دهد.

۳- وظایف کمیته مرکزی عبارت است از:

الف - رسیدگی به عملکرد منظم حزب (تقسیم افراد و وجوه، تفویض و پیگیری خواستههای روزمره و غیره)؛ در این مورد کمیته مرکزی به وسیله رهنمودهای عمومی کنگره های حزبی هدایت می شود؛

ب - انتشار ادبیات حزبی و عرضه آن به کمیته های محلی؛

ج - سازماندهی اقداماتی که برای سراسر روسیه اهمیت عمومی دارند (مثل برگزاری اول ماه مه، نشر اعلامیه در مواقع مهم، کمک به اعتصاب کنندگان و غیره).

۴- در موارد به ویژه مهم، کمیته مرکزی طبق اصول زیر هدایت می شود:

الف - در موردی که مساله قابل تعویق است، کمیته مرکزی باید از کنگره حزبی دستور بگیرد؛

ب - در موردی که مساله غیر قابل تعویق است، کمیته مرکزی به طور مستقل و به اتفاق آرا

عمل می کند و اقدامات خود را به کنگره حزبی عادی یا فوق العاده بعدی گزارش می دهد.

۵- کمیته مرکزی حق انتخاب اعضای جدید را دارد.

۶- وجوه حزبی که در اختیار کمیته مرکزی است از منابع زیر تأمین می شود:

الف - کمکهای مالی داوطلبانه کمیته های محلی که در ابتدای تشکیل حزب اعطا می شود؛

ب - برداشت آزادانه متناوب از وجوه کمیته های محلی؛

ج - وجه مختص کمیته مرکزی، برآورد شده به وسیله حزب.

۷- کمیته های محلی دستورهای کمیته مرکزی را به نحوی مناسب با شرایط محلی اجرا میکنند. در موارد استثنایی کمیته های محلی حق دارند، با مطلع ساختن کمیته مرکزی از دلایل خود، از اجرای درخواستهای آن امتناع ورزند. در تمام موارد دیگر کمیته های محلی با خودمختاری کامل عمل کرده و تنها توسط برنامه حزب هدایت می شوند.

۸- کمیته مرکزی در ارتباط با سازمانهای انقلابی دیگر نماینده حزب است، مشروط بر اینکه این ارتباط اصول برنامه و روشهای تاکتیکی حزب را نقض نکند. حزب حق هر ملیت را برای تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می شناسد.

تبصره - کمیته های محلی تنها با اطلاع کمیته مرکزی و رعایت دستورهای آن با سازمانهای (انقلابی دیگر) رابطه برقرار می کنند.

۹- بالاترین ارگان حزب، کنگره نمایندگان کمیته های محلی است. کنگره ها به طور عادی یا فوق العاده برگزار می شوند. هر کنگره عادی تاریخ برگزاری کنگره عادی بعدی را تعیین می کند. کنگره های فوق العاده توسط کمیته مرکزی، به ابتکار خود آن و یا طبق درخواست دو سوم کمیته های محلی فرا خوانده می شود.

۱۰- «اتحاد سوسیال دموکراتهای روسیه در خارج» بخشی از حزب و نماینده آن در خارج است.

۱۱- «رابوچایا گازتا» ارگان رسمی حزب خواهد بود.

## کنگره دوم

۱۷ ژوئیه - ۱۰ اوت ۱۹۰۳

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در واقع در کنگره دوم آن در سال ۱۹۰۳ به وجود آمد و در همین کنگره نیز به دو جناح انقلابی (بلشویک) و اپورتونیستی (منشویک) منشعب شد. کنگره دوم از ۱۷ ژوئیه تا ۱۰ اوت ۱۹۰۳ ابتدا در بروکسل برگزار شد و سپس در اثر فشار پلیس بلژیک به لندن انتقال یافت. مجموعاً ۵۷ نفر در آن شرکت داشتند که ۴۳ نفر دارای حق رأی و بقیه تنها دارای نظر مشورتی بودند. ۸ نفر از شرکت کنندگان زن بودند. علاوه بر طرفداران ایسکرا که با ۳۳ رأی دارای اکثریت بودند، ۸ مخالف ایسکرا (۵ نفر «بوندیست» و ۳ نفر

«اکنونمیست») و ۱۰ نفر نیز با موضع سانتریستی در کنگره شرکت داشتند. طرفداران ایسکرا خود به دو گروه طرفداران پیگیر ایسکرا (یعنی بلشویک های آینده با ۲۴ رأی) و طرفدارن ناپیگیر ایسکرا (یعنی منشویکهای آینده با ۹ رأی) تقسیم می شدند.

کنگره مجموعاً ۳۷ جلسه برگزار کرد. چند جلسه اول به مسایل کم اهمیت اختصاص یافت و سپس بررسی طرح برنامه حزب آغاز شد. طرح برنامه از طرف هیات تحریریه ایسکرا (لنین، پلخانف، مارتف، زاسولیچ، پوترسف و آکسلرد) به کنگره ارائه شده بود. در موقع تهیه این طرح بین لینین و پلخانف که نویسندگان اصلی آن بودند، اختلافات شدیدی بروز کرد که به طور خلاصه عبارتند از: ۱) پلخانف معتقد بود که سرمایه داری در روسیه در حال مسلط شدن است، در حالی که از نظر لینین سرمایه داری در روسیه شیوه تولیدی مسلط بوده است؛ ۲) لینین برخلاف پلخانف معتقد بود که اصل دیکتاتوری پرولتاریا باید با صراحت کامل در برنامه گنجانده شود؛ ۳) لینین برخلاف پلخانف که لیبرالها را متحدان طبقه کارگر می دانست، معتقد بود که بورژوازی لیبرال باید به عنوان یک نیروی ضد انقلابی افشا شود؛ ۴) لینین اصرار می ورزید که باید به خصلت صرفاً پرولتری حزب تأکید شود، در صورتی که پلخانف چنین تأکیدی نداشت؛ ۵) در مورد برنامه ارضی، لینین که به اتحاد کارگران و دهقانان و هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک اعتقاد داشت، بر این عقیده بود که باید پس از اصلاحات اولیه به نفع دهقانان با گسترش جنبش دهقانی خواست ملی کردن زمین مطرح شود که پلخانف مخالف بود (برای بررسی انتقادات لینین به پلخانف رجوع شود به مجموعه آثار، جلد ۶، صفحات ۷۶ - ۱۵).

اختلافات لینین و پلخانف در مورد نکات فوق باعث شد که هیات تحریریه ایسکرا یک کمیته تدوین طرح برنامه حزب ایجاد کند تا با تلفیق طرحهای پیشنهادی پلخانف و لینین و به ویژه با در نظر گرفتن انتقادات لینین به پلخانف طرح برنامه مشترکی را برای ارائه به کنگره تهیه کند. طرح نهایی هیات تحریریه ایسکرا سرانجام در شماره ۲۱ ایسکرا در اول ژوئن ۱۹۰۲ انتشار یافت و در سال بعد به کنگره ارائه شد.

در موقع بحث درباره طرح برنامه در کنگره دوم، اکنونمیستها به رهبری آکیمف با اصل دیکتاتوری پرولتاریا و برنامه ارضی شدیداً به مخالفت برخاستند. بوندیستها نیز با بند مربوط به مساله ملی مخالف بودند. ولی اتحاد کلیه طرفداران ایسکرا باعث شد که حملات مخالفان بی اثر ماند و طرح برنامه پیشنهادی ایسکرا، که لینین نقش ارزنده ای در تهیه آن ایفا کرده بود، با تغییرات بسیار جزئی به عنوان برنامه حزب به تصویب برسد. به غیر از بخش ارضی برنامه که در سالهای بعد تغییر یافت، این برنامه تا تصویب برنامه جدیدی در سال ۱۹۱۹ برنامه رسمی حزب باقی ماند.

پس از تصویب برنامه، کنگره به بررسی اساسنامه حزب پرداخت. مساله اساسنامه که در واقع چارچوب تشکیلاتی حزب را مشخص می ساخت، برای لینین از اهمیت زیادی برخوردار بود. در

موقع بحث پیرامون اساسنامه بود که اختلافات در درون طرفداران ایسکرا علنی شد و جناحهای اپورتونیستی و انقلابی سوسیال دموکراسی روسیه رسماً شکل گرفت. اختلاف در ابتدا در مورد تعریف عضو حزب یعنی بند اول اساسنامه بروز کرد. دو تعریف به کنگره ارائه شده بود: (۱) تعریف لنین - «عضو کسی است که برنامه آن را پذیرفته و آن را هم با کمکهای مالی و هم با شرکت شخصی در یکی از سازمانهای حزبی پشتیبانی می کند.» (۲) تعریف مارتف - «عضو حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه کسی است که برنامه آن را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و تحت هدایت یکی از سازمانهای حزبی مساعدت شخصی خود را منظمماً در اختیار آن قرار دهد.» همان طور که آشکار است در تعریف لنین در شرکت شخصی عضو حزب در یکی از سازمانهای حزبی تأکید می شود، در حالی که در تعریف مارتف تنها به مساعدت شخصی اکتفا می شود. مضمون اصلی اختلاف بین لنین و مارتف در این مرحله را دو درک متضاد از ساخت تشکیلاتی حزب تشکیل می داد. لنین خواستار حزبی یکپارچه، مبارز، متشکل و با انضباط آهنین بود که در آن برای عناصر متزلزل و اپورتونیست جایی نباشد. وی در یکی از سخنرانیهای خود در کنگره اظهار داشت:

«... حزب باید تنها پیشاهنگ و رهبر توده های وسیع طبقه کارگر باشد، که تمام (یا تقریباً تمام) آنان "تحت کنترل و هدایت" سازمانهای حزبی کار می کنند، ولی تمام آنان به "حزبی" تعلق ندارند و نباید داشته باشند... ریشه اشتباه کسانی که از تعریف مارتف طرفداری می کنند در این است که آنان نه تنها یکی از عمده ترین گرفتاریهای زندگی حزبی ما را نادیده می گیرند، بلکه حتی آن را تقدیس هم می کنند. گرفتاری این است... در شرایطی که ایجاب می کند کار ما در پنهانکاری کامل ادامه یابد، و در زمانی که بیشتر فعالیتهای ما باید به محفلهای کوچک و مخفی و حتی به جلسات خصوصی محدود شود، تمایز بین کسانی که فقط حرف می زنند و کسانی که کار می کنند برای ما شدیداً مشکل و حتی غیر ممکن است. به زحمت بتوان کشور دیگری را در جهان پیدا کرد که در آنجا قاطی شدن این دو مقوله چنین عادی و چنین باعث ابهام شدید و صدمه باشد... بهتر است ده نفر که واقعاً کار می کنند خود را عضو حزب ندانند... تا اینکه کسی که فقط حرف می زند حق و فرصت داشته باشد که عضو حزب باشد. این اصلی است که به نظر من انکار ناپذیر است، اصلی که مرا وادار می کند تا بر ضد مارتف مبارزه کنم... ما نباید فراموش کنیم که هر عضو حزب در مقابل حزب مسئولیت دارد و حزب در مقابل هر یک از اعضایش مسئول است. در شرایطی که ما باید فعالیتهای خود را به پیش ببریم... دادن عنوان عضویت به کسانی که عضو هیچ سازمان حزبی نیستند و مسئول کردن حزب در قبال آنان خطرناک و زیان آور است... ما وظیفه داریم که پایداری، پیگیری و پاکیزگی حزب مان را محفوظ داریم. ما باید بکوشیم تا منزلت و اهمیت عضو حزب را هر چه بالاتر ببریم - از این روست که من با تعریف مارتف مخالفم.» (جلد ۶، صفحات ۵۰۲-۴۹۹).

به رغم همه کوششهای لنین، اتحاد اپورتونیستهای مختلف از اکونومیستها و بوندیستها گرفته تا ساتریستها و طرفداران ناپیگیر ایسکرا، به عبارت دیگر از آکیمف تا تروتسکی، باعث شد که بند اول اساسنامه طبق تعریف مارتف با ۲۸ رأی موافق، ۲۲ رأی مخالف و یک رأی ممتنع به تصویب برسد و تعریف لنین با ۲۳ رأی موافق و ۲۸ رأی مخالف رد شود. لازم به تذکر است که در کنگره های بعدی این بند اساسنامه تغییر کرد و تعریف لنین از عضو حزب پذیرفته شد. گرچه مخالفان لنین به دلیل اتحاد اپورتونیستهای مختلف پیروزی موقت به دست آورده بودند، ولی این پیروزی دوامی نیاورد و آنان اکثریت خود در کنگره را به علت ترک بوندیستها و اکونومیستها از کنگره، از دست دادند.

بعد از این تغییر در تناسب نیروها، وقت انتخاب هیات تحریریه ایسکرا و اعضای کمیته مرکزی فرا رسید. لنین می کوشید اعضای نهادهای رهبری حزب از انقلابیون ثابت قدم و پیگیر برگزیده شوند و بنابراین پیشنهاد کرد که هیات تحریریه ایسکرا از لنین، پلخانف (که در کنگره و مدت کوتاهی پس از آن از لنین پشتیبانی می کرد) و مارتف تشکیل شود. مارتف معتقد بود که همان شش عضو سابق در تحریریه باقی بمانند. کنگره به پیشنهاد لنین رأی داد و بدین ترتیب طرفداران لنین پیروزی تاریخ سازی به دست آوردند و بلشویسم و منشویسم شکل گرفت. لنین بعدها نوشت: «بلشویسم به مثابه یک جریان اندیشه سیاسی و یک حزب سیاسی از سال ۱۹۰۳ وجود داشته است.» (جلد ۳۱، ص ۲۴)

بحثهای مربوط به برنامه و اساسنامه حزب چنان به درازا کشید که فرصت کافی برای بررسی مسایل دیگر باقی نماند. با این وجود در چند ساعت آخر نشست ۳۷ کنگره (نشست آخر) چندین قطعنامه با عجله به تصویب رسید که از آن میان قطعنامه های مربوط به چگونگی برخورد به لیبرالها شایان توجه است. در این باره دو قطعنامه به کنگره ارائه شده بود: یکی قطعنامه پیشنهادی پلخانف که لنین و چند نماینده دیگر از آن حمایت می کردند و دیگری قطعنامه پیشنهادی استاروور (Starover) که مارتف، تروتسکی و ... پشتیبان آن بودند. نظر به اینکه ۳ نفر از طرفداران لنین به هر دو قطعنامه رأی دادند، در نتیجه هردوی آنها که مضمون کاملاً متضادی داشتند به تصویب کنگره رسید. قطعنامه پلخانف (سند ۱۱) لیبرالیسم را جریانی ضد انقلابی و ضد پرولتری ارزیابی می کند. در حالی که قطعنامه استاروور پیشنهاد میکند که سوسیال دموکراسی تحت شرایطی با لیبرالیسم وارد توافق شود. (متن این قطعنامه در آخر این مقدمه آمده است و برای مطالعه انتقادات لنین به آن رجوع شود به «یک گام به پیش، دو گام به پس»)، منتخب آثار به زبان فارسی صفحات ۲۰۱ - ۱۹۹). گرچه مشاجرات مربوط به اساسنامه حزب کل کنگره دوم را تحت الشعاع قرار داد، ولی ماهیت واقعی منشویسم را می توان به روشنی در این قطعنامه که خواهان اتحاد با بورژوازی است، مشاهده کرد. کنگره سوم حزب در سال ۱۹۰۵ قطعنامه استاروور را کلاً رد کرد.

قطعنامه مربوط به چگونگی برخورد به اس ارها (سند ۱۲) را اکسلرد (یکی از رهبران آینده منشیوسم) نوشت و پارگراف آخر آن را لنین و پلخانف اضافه کردند. قطعنامه های شماره ۶، ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ را مارتف تهیه کرد. قطعنامه روش برخورد به دانشجویان را نیز لنین به کنگره ارائه داد. لازم به تذکر است که تمام قطعنامه های تصویب شده در کنگره (بجز قطعنامه استاروور) مورد توافق لنین و طرفداران او بود. و در آخر ما مطالعه اثر بسیار مهم لنین - «یک گام به پیش، دو گام به پس» - را که درباره مسایل مربوط به کنگره دوم نوشته شده است، برای درک بهتر قطعنامه های آن به خوانندگان توصیه می کنیم.

### قطعنامه استاروور درباره لیبرالها:

«حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، حزب مستقل سیاسی پرولتاریا، با حرکت از این اصل برنامه ما که اعلام می کند که حزب از کلیه جنبشهای مخالف و انقلابی علیه نظم موجود اجتماعی و سیاسی حاکم بر روسیه پشتیبانی می کند»، توافقهای موقتی با گرایشهای لیبرالی یا لیبرال دموکراتیک را رد نکرده و در صورت لزوم از طریق نهادهای مرکزی اش چنین توافقهایی برقرار میکند؛ به شرطی که،

الف - این گرایشها به طور آشکار و صریح اعلام کنند که در مبارزه شان علیه حکومت مطلقه قاطعانه در کنار سوسیال دموکراتهای روسیه پایداری می کنند؛

ب - آنها در برنامه شان خواستهایی را که مخالف منافع طبقه کارگر و دموکراسی به طور عام هستند، یا آگاهی طبقه کارگر را خدشه دار نکنند، ننگنجانند؛

ج - آنها رأی همگانی، برابر، مخفی و مستقیم را به مثابه شعار مبارزاتی خود اتخاذ کنند.

امضا: استاروور، تروتسکی، مارتف، اکسلرد، ...

### ۳- برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

۱ اوت ۱۹۰۳

توسعه بازرگانی چنان روابط نزدیکی بین مردم جهان متمدن ایجاد کرده که جنبش عظیم رهایی پرولتاریا باید بین المللی می شد و از مدتها قبل چنین شده است.

سوسیال دموکراسی روسیه با در نظر گرفتن خود به عنوان بخشی از ارتش جهانی پرولتاریا، همان هدف نهایی سوسیال دموکراتهای دیگر کشورها را دنبال می کند.

این هدف نهایی به وسیله ویژگی جامعه بورژوازی معاصر و سیر توسعه آن تعیین می شود.

ویژگی عمده این جامعه تولید کالایی مبتنی بر روابط تولیدی سرمایه داری است. بیشترین و مهم ترین بخش وسایل تولید و مبادله کالاها به طبقه کوچکی از معدود افراد تعلق دارد، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق جامعه شامل پرولتاریا و نیمه پرولتاریایی است که جایگاه

اقتصادی آنها مجبورشان می کند تا بطور مداوم یا متناوب کار خود را بفروشند و یا، بعبارت دیگر، اجیر سرمایه داران شوند و با کار خویش درآمد طبقات بالای جامعه را ایجاد کنند.

قلمرو تحت تسلط روابط تولیدی سرمایه داری با پیشرفت دایم تکنولوژی، که بر اهمیت اقتصادی بنگاههای تولیدی بزرگ می افزاید و تولید کنندگان کوچک مستقل را تضعیف میکند، دائماً گسترش می یابد. بدین ترتیب بخشی از تولید کنندگان کوچک مستقل به پرولتاریا تبدیل شده و عملکردهای اجتماعی - اقتصادی بقیه کاهش یافته که در بعضی موارد وابستگی کما بیش کامل، آشکار و شدید به سرمایه پیدا می کند.

بعلاوه همین پیشرفت تکنولوژی، سرمایه داران را قادر می سازد تا در تولید و گردش کالا از نیروی کار زنان و کودکان هرچه بیشتر استفاده کنند. از سوی دیگر، از آنجا که پیشرفت تکنولوژی منجر به کاهش نسبی نیازهای مدیریت به نیروی کار انسانی می شود، عرضه کار به ناچار از تقاضا پیشی میگیرد و در نتیجه وابستگی کار مزدبری به سرمایه و میزان استثمار افزایش مییابد. وضعیت فوق در جوامع بورژوازی، در کنار رقابت شدید فزاینده بین این کشورها در بازار جهانی، فروش کالاها را که در کمیتهای دائماً متزاید تولید می شود، مشکل می کند. اضافه تولیدی که در شکل بحرانهای صنعتی کما بیش حاد و به دنبال آن در دوره های هر بار کما بیش طولانی تر رکود صنعتی متظاهر میشود، بیانگر نتیجه گریز ناپذیر رشد نیروهای مولده در جامعه بورژوازی است. بحرانها و دوره های رکود صنعتی به نوبه خود تولید کنندگان کوچک را باز هم بیشتر خانه خراب می کند، وابستگی کار مزدبری به سرمایه را حتی بیشتر می کند و هر چه سریع تر به خانه خرابی نسبی و حتی گاهی مطلق وضعیت طبقه کارگر منجر می شود.

بنابراین پیشرفت تکنولوژی، که بیانگر افزایش بارآوری کار و رشد ثروت اجتماعی است، باعث افزایش نابرابری اجتماعی در جامعه بورژوازی، تعمیق شکاف بین دارا و ندار، زندگی نامطمئن تر، افزایش بیکاری و محرومیت های گوناگون برای بخشهای هر چه وسیع تر توده های زحمتکش میشود.

اما هر قدر که تمام این تضادهای ذاتی جامعه بورژوازی رشد و توسعه می یابد، نارضایتی توده های زحمتکش و ستم کشیده از نظم موجود نیز رشد یافته، بر تعداد و همبستگی پرولتاریا افزوده شده و مبارزه اش با استثمارگران هر چه شدیدتر می شود. در عین حال پیشرفت تکنولوژی، که وسایل تولید و توزیع را متمرکز کرده و فرایند کار را در بنگاههای سرمایه داری اجتماعی میکند، هر چه سریع تر شرایط مادی برای جایگزینی روابط تولیدی سرمایه داری را با روابط تولیدی سوسیالیستی، بعبارت دیگر شرایط مادی برای وقوع انقلاب اجتماعی را ایجاد می کند. انقلابی که بیانگر هدف نهایی تمام فعالیتهای جنبش سوسیال دموکرات بین المللی، به مثابه سخنگوی آگاه جنبش طبقاتی پرولتاریا است.

انقلاب اجتماعی پرولتاریا با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی وسایل تولید و توزیع به جای



مالکیت خصوصی و با برقراری سازمان برنامه ریزی شده فرایند تولید اجتماعی، بطوریکه رفاه و رشد همه جانبه تمام افراد جامعه را تضمین کند، تقسیم طبقاتی جامعه را ملغی کرده و بدین وسیله تمام بشریت ستم کشیده را رها می سازد، زیرا به تمام اشکال استثمار بخشی از جامعه توسط بخش دیگر پایان می بخشد.

شرط ضروری برای این انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا است، یعنی تسخیر آن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا که او را قادر می سازد هرگونه مقاومت از جانب استثمارگران را سرکوب کند.

سوسیال دموکراسی بین المللی، با تعیین این وظیفه برای خود که پرولتاریا را قادر به تحقق رسالت تاریخی بزرگش سازد، وی را در یک حزب سیاسی مستقل مخالف با تمام احزاب بورژوایی متشکل می کند، تمام نموده های مبارزه طبقاتی اش را هدایت می کند، تقابل آشتی ناپذیر منافع استثمارگران با استثمار شوندهگان را آشکار می سازد و اهمیت تاریخی و شرایط ضروری برای انقلاب اجتماعی نزدیک را به پرولتاریا می آموزد و در عین حال برای سایر توده های زحمتکش و استثمار شده، بی آیندگی وضعیت شان در جامعه سرمایه داری و ضرورت یک انقلاب اجتماعی برای رهایی آنان از یوغ سرمایه داری را آشکار می سازد. حزب طبقه کارگر، حزب سوسیال دموکرات، تمام لایه های زحمتکش و ستم کشیده جامعه را تا آنجا که دیدگاه پرولتری آنها می پذیرند، به صفوف خود فرا می خواند.

سوسیال دموکراتهای کشورهای مختلف، در راه رسیدن به هدف نهایی مشترک خویش که با تسلط شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان متمدن تعیین می شود، مجبورند هم به دلیل رشد ناهمگون این شیوه تولید در جوامع مختلف و هم به دلیل وجود شرایط اجتماعی - سیاسی متفاوت در هر کشور، برای خود وظایف کوتاه مدت مختلف معین کنند.

در روسیه که هم اکنون سرمایه داری شیوه مسلط تولید است، هنوز بسیاری از بقایای نظم پیش سرمایه داری کهن ما وجود دارد، نظمی که بر بندگی توده های زحمتکش به زمین داران بزرگ، دولت یا پادشاه مبتنی بود. این بقایا بزرگ ترین مانع ممکن برای پیشرفت اقتصادی بوده، از رشد همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا جلوگیری کرده، به حفظ و تشدید وحشیانه ترین اشکال استثمار میلیونها دهقان توسط دولت و طبقات دارا کمک می کند و تمام مردم را در جهل و انقیاد نگه می دارد.

برجسته ترین این بقایا و قدرتمندترین تکیه گاه کل این نظم وحشیانه، استبداد تزاری است که، بنابر ماهیت خود، دشمن هرگونه تغییر اجتماعی بوده و بدون تردید سرسخت ترین دشمن تمام آرزوها و آمال پرولتاریا برای آزادی است.

بنابراین، حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه واژگونی استبداد تزاری و جایگزینی آن را توسط

یک جمهوری دموکراتیک وظیفه عاجل سیاسی خود قرار می دهد. قانون اساسی این جمهوری موارد زیر را تضمین می کند:

۱- حاکمیت مردم؛ یعنی تمرکز قدرت عالی دولتی در مجلس قانونگذاری واحدی متشکل از نمایندگان مردم.

۲- حق رأی همگانی، برابر و مستقیم در انتخابات مجلس قانونگذاری و تمام ارگانهای خودگردان محلی برای تمام شهروندان مرد و زنی که به سن بیست رسیده باشند؛ رأی مخفی در این انتخابات؛ حق هر رأی دهنده برای انتخاب شدن در هر نهاد انتخابی؛ دوره پارلمانی دو ساله؛ پرداخت حقوق به نمایندگان مردم.

۳- خودگردانی محلی وسیع؛ خودگردانی ناحیه ای برای نواحی با شرایط ویژه زندگی یا ترکیب ویژه جمعیت.

۴- مصونیت فردی و مصونیت مسکن،

۵- آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات و اجتماعات، آزادی اعتصاب و تشکیل اتحادیه های کارگری.

۶- آزادی تغییر مکان و اشتغال.

۷- لغو امتیازات طبقاتی و برابری کامل تمام شهروندان بدون توجه به جنس، مذهب، نژاد یا ملیت.

۸- حق هر ملیتی برای آموزش به زبان مادری خویش از طریق برقراری مدارس لازم به هزینه دولت و ارگانهای خودگردان؛ حق هر شهروند در بکارگیری زبان مادری خویش در جلسات عمومی؛ استفاده از زبان مادری بطور برابر با زبان رسمی در تمام نهادهای محلی، عمومی و دولتی.

۹- حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیتهایی که بخشی از کشور را تشکیل می دهند.

۱۰- حق هر فرد برای به محاکمه کشیدن هر مقام رسمی از طریق مجاری عادی در برابر هیات ژوری.

۱۱- انتخاب قضات توسط مردم.

۱۲- جایگزینی ارتش دائمی با تسلیح عمومی مردم.

۱۳- جدایی دین از دولت و مدرسه از دین.

۱۴- تحصیل عمومی یا حرفه ای رایگان و اجباری برای تمام خردسالان دختر و پسر تا سن شانزده سالگی؛ تأمین غذا، لباس و وسایل تحصیل برای خردسالان نیازمند توسط دولت.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه بعنوان شرط اساسی دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور خواستار لغو تمامی مالیاتهای غیر مستقیم و وضع مالیات تصاعدی بر درآمد و ارث است.

حزب جهت حمایت از طبقه کارگر در برابر تحقیر جسمی و روحی و همچنین برای گسترش

توانایی این طبقه برای مبارزه برای رهایی، خواستار مفاد زیر است:

- ۱- محدودیت کار روزانه به ۸ ساعت برای تمام کارگران مزدبر.
- ۲- مقررات قانونی برای مرخصی هفتگی برای همه مزدبگیران زن و مرد در تمام بخشهای اقتصاد کشور که مدت آن از ۴۲ ساعت متوالی کمتر نباشد.
- ۳- ممنوعیت کامل اضافه کاری.
- ۴- ممنوعیت شب کاری (از ۹ شب تا ۶ صبح) در تمام شاخه های اقتصاد به استثنای شاخه هایی که به دلایل تکنیکی مطلقاً به شب کاری نیاز دارند، و این دلایل باید مورد تأیید سازمانهای کارگری قرار گیرد.
- ۵- ممنوعیت استخدام خردسالان در سنین تحصیل (تا ۱۶ سال) و محدودیت مدت کار روزانه برای نوجوانان (۱۶ تا ۱۸ سال) به ۶ ساعت.
- ۶- ممنوعیت استفاده از کار زنان در مشاغلی که برای سلامت آنان زیان آور است؛ مرخصی برای زنان باردار از ۴ هفته قبل تا ۶ هفته بعد از زایمان، با حق دریافت دستمزد به میزان معمول در سراسر این دوره.
- ۷- ایجاد شیرخوارگاه برای نوزادان و خردسالان در تمام کارگاهها، کارخانه ها و بنگاههای تولیدی دیگری که زنان را استخدام می کنند؛ اجازه مرخصی حداقل نیم ساعت در هر سه ساعت به مادرانی که به فرزندان خود شیر می دهند.
- ۸- بیمه دولتی برای کارگران در سن پیری و مواقع ناتوانی جزئی یا کامل از طریق وجوه مخصوصی که با اخذ مالیات از سرمایه داران تأمین می شود.
- ۹- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی؛ تعیین مدت زمانی از ساعات کار هفتگی در قراردادهای استخدامی برای پرداخت دستمزد نقدی.
- ۱۰- ممنوعیت برداشت از دستمزد کارگران توسط مدیریت بدون توجه به دلیل یا هدف چنین برداشتهایی (جریمه، کار ناقص و غیره).
- ۱۱- تعیین تعداد کافی بازرس کارخانه در تمام شاخه های اقتصاد و تعمیم بازرسی به تمام بنگاههای تولیدی، به علاوه بنگاههای تولیدی دولتی که کار مزدبری استخدام می کنند (کار خدمتکاران خانگی نیز تابع چنین بازرسی می باشد)؛ تعیین بازرسان زن در صنایعی که زنان را استخدام می کنند؛ شرکت نمایندگان منتخب کارگران به هزینه دولت در نظارت بر اجرای قوانین کارخانه، در تعیین میزان دستمزد و در پذیرش یا رد کالاهای تمام شده و سایر امور.
- ۱۲- نظارت ارگانهای خودگردان محلی، به همراه نمایندگان منتخب کارگران، بر شرایط بهداشتی واحدهای مسکونی کارخانه و همچنین نظارت بر مقررات حاکم بر استفاده از این واحدهای مسکونی و شرایط اجاره، بطوریکه از کارگران به عنوان شخص و شهروند در برابر دخالت کارفرمایان در زندگی و فعالیتهای خصوصی شان حمایت شود.

۱۳- برقراری بازرسی بهداشتی کاملاً سازمان یافته در تمام بنگاههای تولیدی که کار مزدبری استخدام می کنند؛ این تشکیلات بهداشتی باید کاملاً مستقل از مدیریت باشد؛ خدمات پزشکی رایگان برای کارگران به هزینه کارفرما، و پرداخت دستمزد در طول مدت بیماری.

۱۴- احراز مسئولیت جزائی برای کارفرمایان در موارد نقض قوانینی که برای حمایت از کارگران وضع شده است.

۱۵- ایجاد دادگاههای حرفه ای در تمام شاخه های اقتصاد که بطور یکسان از نمایندگان کارگران و مدیریت تشکیل شده باشد.

۱۶- لزوم ایجاد دفاتر کاریابی (مبادله کار) توسط ارگانهای خودگردان محلی برای استخدام کارگران محلی و غیر شهری در تمام شاخه های اقتصاد، و شرکت نمایندگان سازمانهای کارگری در اداره آنها.

برای نابودی بقایای نظام سرواژ، که فشار طاقت فرسایی بر دهقانان وارد می کند، و برای پیش برد رشد آزاد مبارزه طبقاتی در روستا حزب قبل از هر چیز خواستار اجرای مفاد زیر است:

۱- الغای دیون مربوط به باخرید زمین، رانت اسمی (۱)\* \*، برای یادداشتهای ر. ک. به یادداشتهای کمیته ترجمه رجوع شود. \*، و تعهدات دیگری که در حال حاضر بر عهده دهقانان بعنوان یک طبقه مالیات پرداز قرار دارد.

۲- لغو تمام قوانینی که دهقان را از فروش زمین اش منع می کند.

۳- بازگرداندن تمام وجوهی که بعنوان دیون مربوط به باخرید زمین و رانت اسمی از دهقانان اخذ شده است؛ و برای این منظور مصادره اموال کلیساها و صومعه ها، و همچنین مصادره زمینهای متعلق به امپراتور، ارگانهای حکومتی و افراد خانواده تزار؛ وضع مالیات ویژه ای بر املاک زمین دارانی که از وجوه پرداخت شده دهقانان برای باخرید زمین وام دریافت کرده اند؛ سپردن وجوه بدست آمده در صندوق عمومی خاصی جهت نیازهای فرهنگی و خیریه ای جوامع روستایی.

۴- ایجاد کمیته های دهقانی برای:

الف - بازگرداندن زمینهایی که در موقع الغای سرواژ ((در سال ۱۸۶۱)) از تصرف دهقانان جدا شده، و هم اکنون به عنوان وسیله ای جهت در انقیاد نگهداشتن آنها توسط زمین داران مورد استفاده قرار می گیرند، به جوامع روستایی. (از طریق مصادره یا در صورت انتقال زمین به دیگران، از طریق خرید توسط دولت به هزینه متصرفات وسیع اشرافیت)؛

ب - بازگرداندن زمینهایی که در قفقاز هم اکنون دهقاناتی بعنوان «خیزانی» (۲) و غیره با قراردادهای موقت در دست دارند به خود آنان؛

ج - از بین بردن بقایای نظام سرواژ که در اورال، آلتای، ناحیه غرب و نواحی دیگر محفوظ

مانده است.

۵- برخورداری دادگاه ها از حق تخفیف اجاره های بیش از اندازه و کان لم یکن اعلام کردن تمام معاملاتی که بیانگر روابط بندگی باشند.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به نوبه خود اعتقاد راسخ دارد که تحقق کامل، باثبات و پردوام این تغییرات سیاسی و اجتماعی تنها از طریق واژگونی حکومت استبدادی و تشکیل یک مجلس مؤسسان منتخب تمام مردم بدست می آید.

#### ۴- اساسنامه تشکیلاتی حزب

۵ اوت ۱۹۰۳

۱- عضو حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه کسی است که برنامه آنرا پذیرفته، به آن کمک مالی کند و تحت هدایت یکی از سازمانهای حزبی مساعدت شخصی خود را منظمآ در اختیار آن قرار دهد.

۲- ارگان عالی حزب کنگره حزب است که (اگر ممکن باشد، حداقل یکبار در هر دو سال) توسط شورای حزب فرا خوانده می شود. شورای حزب در صورت درخواست آن تعداد از سازمانهای حزبی که مشترکاً نصف آرا را در کنگره حزبی حایز باشند، باید کنگره حزبی را فرا خواند. کنگره در صورتی رسمیت می یابد که در آن سازمانهایی که حایز بیش از نصف کل آرا هستند، حضور داشته باشند.

۳- سازمانهای زیر حق نمایندگی در کنگره را دارند:

الف - شورای حزب؛

ب - کمیته مرکزی؛

ج - ارگان مرکزی؛

د - تمام کمیته های محلی که به اتحادیه های خاصی تعلق ندارند؛

ه - سازمانهای دیگری که معادل کمیته هستند؛

و - تمام اتحادیه های کمیته هایی که توسط حزب به رسمیت شناخته شده اند.

هر یک از سازمانهای فوق به وسیله یک نماینده با دو حق رأی در کنگره نمایندگی می شوند؛ شورای حزب با تمام اعضایش و هر کدام با یک حق رأی در کنگره نمایندگی می شود.

نمایندگی اتحادیه ها با قواعد ویژه ای تعیین می شود.

تبصره یک - تنها آن سازمانهایی حق نمایندگی دارند که حداقل یک سال قبل از کنگره (بوسیله کمیته مرکزی) تأیید شده باشند.

تبصره دو - کمیته مرکزی می تواند نمایندگان سازمان هایی را که حایز شرایط تعیین شده در تبصره یک نباشند، با نظر مشورتی به کنگره دعوت کند.

۴- کنگره عضو پنجم شورا، کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی را تعیین می کند.

۵- شورای حزب از دو عضو هیات تحریریه ارگان مرکزی و دو عضو کمیته مرکزی تشکیل میشود؛ اعضای دستگیر شده شورا توسط نهادهایی که آنان را منصوب کرده جایگزین می شوند و عضو پنجم هم به وسیله خود شورا.

شورای حزب بالاترین نهاد حزبی است. وظیفه آن ایجاد هماهنگی و یک پارچگی بین فعالیتهای کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی و همچنین نمایندگی حزب در روابط اش با احزاب دیگر است. شورای حزب حق جایگزینی کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی را، در صورت دستگیری اعضای هر یک از این دو نهاد، دارد.

شورا هر گاه که یکی از مراکز حزبی، یعنی هیات تحریریه ارگان مرکزی، کمیته مرکزی، یا دو عضو شورا درخواست کند، تشکیل جلسه می دهد.

۶- کمیته مرکزی، کمیته ها، اتحادیه های کمیته ها و نهادهای دیگر حزبی را سازماندهی کرده و فعالیتهای آنها را هدایت می کند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و جوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای حزبی مختلف را حل و فصل می کند؛ و بطور کلی تمام فعالیتهای عملی حزب را هماهنگ و رهبری می کند.

تبصره - اعضای کمیته مرکزی نباید در یک زمان به سازمانهای حزبی دیگری بجز شورای مرکزی تعلق داشته باشند.

۷- هیات تحریریه ارگان مرکزی رهبری ایدئولوژیک حزب را بر عهده دارد.

۸- هر سازمان حزبی در کلیه امور قلمروی که مخصوصاً و انحصاراً برای پیشبرد فعالیت حزبی در آن قلمرو ایجاد شده، خودمختار است.

۹- تمام سازمانهای حزبی باید توسط کمیته مرکزی تأیید شوند بجز آنهایی که مورد تصویب کنگره قرار می گیرند. کلیه تصمیمات کمیته مرکزی برای تمامی سازمانهای حزبی لازم الاجراست و آنها همچنین موظفند وجوهی را که توسط کمیته مرکزی تعیین می شود به خزانه مرکزی حزب واریز کنند.

۱۰- هر عضو و یا هر شخصی با هرگونه ارتباط با حزب حق دارد درخواست کند که همه بیانیه هایش به شکل اصلی خود به کمیته مرکزی، ارگان مرکزی یا کنگره حزب ارائه شود.

۱۱- هر سازمان حزبی موظف است که تمام اسناد مربوط به فعالیتهای و افراد خود را در دسترس کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی قرار دهد.

۱۲- تمام سازمانهای حزبی و نهادهای مرکزی ((کمیته مرکزی و ارگان مرکزی)) مسایل را با

اکثریت ساده آرا حل کرده و حق عضوگیری جدید ((کنوئتاسیون(۳)) دارند. برای عضوگیری جدید یا اخراج، در صورت عدم اعتراض اساسی، به اکثریت دو سوم نیاز است. هر تصمیم یک سازمان برای عضوگیری یا اخراج می تواند برای پژوهش به شورای حزب ارجاع شود.

عضوگیری جدید برای کمیته مرکزی یا هیات تحریریه ارگان مرکزی به اتفاق آرا انجام می گیرد. اگر در عضوگیری جدید برای کمیته مرکزی یا هیات تحریریه ارگان مرکزی اتفاق آرا بدست نیاید، مساله به شورا ارجاع شده و شورا در این موارد با اکثریت ساده تصمیم گیری می کند.

کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی در مورد اعضای جدید یکدیگر را مطلع می سازند.

۱۳- «اتحادیه خارج از کشور سوسیال دموکراتهای انقلابی روسیه» تنها سازمان خارج از کشور حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، هدف خود را تبلیغ و ترویج در خارج و همچنین کمک به جنبش داخل روسیه قرار می دهد. این «اتحادیه» از تمامی حقوق یک کمیته برخوردار است، با این فرق که کمک خود به جنبش داخل روسیه را تنها از طریق افراد یا گروههایی که مخصوصاً به وسیله کمیته مرکزی تعیین می شوند، انجام می دهد.

#### ۵- درباره سازمانهای محلی

۶ اوت ۱۹۰۳

در مورد سازمانهای محلی، کنگره ضروری می شناسد که در هر حوزه فعالیت حزبی، تنها یک سازمان هدایت کننده واحد وجود داشته باشد و کمیته مرکزی را موظف می کند که اقدامات لازم برای فراهم آوردن چنین اتحادی را اتخاذ کند. در مورد گروههای خارج از سازمانهای محلی - در نیروهای مسلح، در چاپخانه ها و غیره - کنگره موجودیت آنها را به شرط اینکه توسط کمیته مرکزی حزب تأیید شده باشند، به رسمیت می شناسد.

#### ۱۱- درباره روش برخورد به لیبرالها

۱۰ اوت ۱۹۰۳

نظر به اینکه:

الف - سوسیال دموکراسی باید از بورژوازی تا آنجا که در مبارزه اش با تزاریسیم انقلابی و یا حتی در اپوزیسیون است، حمایت کند؛

ب - بنابراین، سوسیال دموکراسی باید از نضج آگاهی سیاسی در بورژوازی روسیه استقبال کند، ولی از سوی دیگر موظف است ماهیت محدود و ناکافی جنبش بورژوایی برای رهایی را هر جا که آشکار است، در مقابل پرولتاریا افشا سازد؛

بنابراین کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه عاجلانه توصیه می کند که تمام رفقا در فعالیتهای ترویجی خود توجه کارگران را به خصلت ضد انقلابی و ضد پرولتری روند ارائه شده توسط ارگان آقای استرووه جلب کنند.

#### ۱۴- درباره مبارزه صنفی کارگران (تریونیونی)

۱۰ اوت ۱۹۰۳

نظر به اینکه:

الف- مبارزه صنفی کارگران نتیجه ضروری وضعیت پرولتاریا در جامعه سرمایه داری است؛  
ب- این مبارزه کارگران یکی از وسایل عمده برای مقابله با گرایش نظام سرمایه داری به سوی کاهش سطح زندگی کارگران است؛

ج- اگر این مبارزه جدا از مبارزه سیاسی پرولتاریا به رهبری حزب سوسیال دموکرات گسترش یابد، به پاشیدگی نیروهای پرولتری و تبعیت جنبش کارگران از منافع طبقات دارا منجر می شود- کنگره بنابراین تشخیص می دهد که در مورد جنبش صنفی، وظیفه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه رهبری مبارزات روزمره کارگران برای شرایط بهتر کار و تبلیغ برای برطرف ساختن تمام موانع ایجاد شده به وسیله قانونگذاریهای استبداد روسیه در مقابل جنبش صنفی است؛ و در یک کلام، وظیفه حزب متحد ساختن برخوردهای منفرد گروههای مجزای کارگران در یک مبارزه طبقاتی واحد و سازمان یافته است.

ضمناً، نظر به کوشش بسیار آشکار حکومت در به دست گیری مبارزه اقتصادی طبقه کارگر - تحت پوشش «قانونی کردن جنبش کارگران» - و به انحراف کشاندن آن از لحاظ سیاسی و تبدیل اش به ابزار سیاستهای خود؛ و نظر به اینکه این به اصطلاح «سیاست زوباتف»، علاوه بر محتوای ارتجاعی - سیاسی و روشهای تحریک آمیز و پلیسی اجرای آن، سیاست فروختن سیستماتیک منافع طبقه کارگر به منافع سرمایه داران است -

لذا کنگره توصیه می کند که تمام رفقا به مبارزه پیگیر خود علیه تمامی جنبه های زوباتوفیسم ادامه داده، خصلت فریبکارانه و خیانت آمیز تاکتیکهای مردم فریبان زوباتوفیست را در پیشگاه کارگران آشکار ساخته و از همه کارگران بخواهند که در مبارزه طبقاتی واحدی برای رهایی سیاسی و اقتصادی پرولتاریا متحد شوند. بدین منظور، کنگره توصیه می کند که سازمانهای حزبی از اعتصابهای تشکلهای قانونی کارگران پشتیبانی کرده و آنها را هدایت کنند و در عین حال از این برخوردها استفاده کرده و خصلت ارتجاعی اتحاد بین کارگران و حکومت استبدادی را عریان سازند.



۱۰ اوت ۱۹۰۳

کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از تسریع فعالیت انقلاب در بین دانشجویان استقبال کرده و از تمام سازمانهای حزبی می خواهد که از هر طریق ممکن با کوششهای این دانشجویان در جهت تشکل خود همگام شوند. کنگره توصیه می کند که تمام گوههای دانشجویی و محفلهای مطالعاتی اولاً در فعالیتهای خود به گسترش یک دیدگاه سوسیالیستی جامع و منسجم در بین اعضای خود اولویت بخشند تا آنان دانش کاملی از مارکسیسم، از یک سو، و پوپولیسم روسیه و اپورتونیسم اروپای غربی از سوی دیگر - بعنوان گرایشهای عمده مخالف یکدیگر در حال حاضر - کسب کنند؛ ثانیاً کوشش کنند پیش از دست یازی به فعالیتهای عملی، با سازمانهای سوسیال دموکراتیک ارتباط برقرار سازند تا از نظر آنها بهره مند شده و در صورت امکان از اشتباهات فاحش در آغاز کارشان اجتناب کنند.

\* یادداشتهای کمیته ترجمه

(۱) رانت اسمی (Quitrent) ، رانتی که دهقان به جای انجام بیگاری به مالک می پرداخت.  
(۲) خیزانی (Khizani) به دهقانان بدون زمین گرجستان گفته می شد، که طبق شرایط معینی بر روی زمین ملاکان کار می کردند. این دهقانان رسماً سرف نبودند و از بعضی آزادیهای شخصی برخوردار بودند، رفرم ارضی سال ۱۸۶۱، اینان را در بر نمی گرفت و وابستگی شان به ملاکان قطع نشد.

(۳) کئوپتاسیون (co-optation)، یعنی گزینش عضو جدید توسط خود اعضای کمیته مرکزی یا هر نهاد دیگر. ما به جای آن معادل عضوگیری جدید انتخاب کرده ایم. این اصطلاح «برگماری» هم ترجمه شده است که معادل رسایی نیست.

﴿ادامه دارد. حجت. برزگر﴾